

٦) الأرض التي تكون الرجعة عليها: ٤- زمینی که رجعت بر آن محقق می شود

و عطفاً على ما سبق، طرح سؤال آخر يسهم جوابه في زيادة توضيح الموضوع المتقدم، سنتعرف عليه بعد عرض الرواية التالية:

علاوه بر مطالب پیشین، پرسشی مطرح می شود که در زیادی توضیح موضوع پیشین، سهیم است و پس از آوردن روایات ذیل، آن را می شناسیم:

عن الوليد بن صبيح عن أبي عبد الله (ع)، أنه قال: (دخلت عليه يوماً فألقى إليّ ثياباً وقال: يا وليد ردها على مطاويها، فقامت بين يديه، فقال أبو عبد الله (ع): رحم الله المعلى بن خنيس، فظننت أنه شبهه قيامي بين يديه بقيام المعلى بن خنيس بين يديه. ثم قال لي: أف للدنيا أف للدنيا، إنما الدنيا دار بلاء سلط الله فيها عدوه على وليه، وإن بعدها داراً ليست هكذا. فقلت: جعلت فداك وأين تلك الدار؟ فقال: هاهنا وأشار بيده إلى الأرض) [115].

از ولید بن صبیح از اباعبدالله امام صادق (ع) نقل شده است: روزی بر امام (ع) وارد شدم. ایشان لباس هایی را به من داد و فرمود: «ای ولید، این ها را تا شده بازگردان». من در پیشگاه ایشان برخاستم. امام صادق (ع) فرمود: «خداوند معلی بن خنیس را رحمت کند». من گمان کردم امام (ع) برخاستن مرا به برخاستن معلی بن خنیس تشبیه فرموده است. سپس به من فرمود: «أف بر دنیا! أف بر دنیا! دنیا تنها سرای بلاست. خداوند در آن دشمن خود را بر ولی خود مسلط گردانیده است و پس از آن سرایی خواهد بود که این چنین نیست». عرض کردم: فدایتان شوم آن سرا کجاست؟ فرمود: «اینجاست» و سپس با دست خویش به زمین اشاره فرمود. [116]

وأکید أنّ تلك الدار هي الرجعة، لذا سئل السيد أحمد الحسن (ع): ما معنى إشارة الإمام الصادق (ع) إلى هذه الأرض؟

و بی تردید این سرا، عالم رجعت است. لذا از سید احمد الحسن (ع) پرسیده شد: منظور امام صادق (ع) از اشاره به این زمین چیست؟

فأجاب: [نعم، وفقك الله وسدد خطاك. إنّ للأرض تجليات في كل السماء الدنيا تمتد إلى السماء الأولى التي ستكون فيها الرجعة، فالرجعة أيضاً في الأرض وإن كانت في تجلي آخر للأرض غير هذا الذي نعيش فيه في هذا العالم الجسماني].

ایشان (ع) فرمود: «بلی، خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام‌هایت را استوار بدارد؛ برای زمین تجلی‌هایی در همه آسمان دنیا وجود دارد که به آسمان اول - که رجعت در آن است - کشیده می‌شود؛ پس رجعت نیز در زمین است، هرچند در تجلی دیگری، غیر از این زمینی که در این عالم جسمانی، در آن زندگی می‌کنیم، باشد».

[115]. مختصر بصائر الدرجات: ص 49.

[116] - مختصر بصائر الدرجات: ص 24.